

سوره «بروج» (۸۵)

تصویری که در این سوره از آتش زدن «اصحاب اخدود» ارائه گردیده، داستان گلا دیاتورها و جنایات قیصرهای روم باستان را در ذهن تداعی می کند. صحنه ای دلخراش از سنگدلی و سبعیت که سالیانی دراز سایه بر ستم زدگان داشته است. معمولاً قیصر و درباریان با امراء لشکری و کشوری، در جایگاه مخصوص قرار گرفته و از بالا نمایش فجیع پاره شدن محکومان توسط شیرهای درنده، یا به جان هم افتادن گلا دیاتورها را تماشا می کردند و از جان کندن انسانها لذت می بردند. در چنین بستری از بی رحمی و خشونت است که عیسی بن مریم (ع) مهر و محبت و عشق و عاطفه را پیام آور می شود و سلامت و راستی را به ارمغان می آورد. اما به پاداش چنین ایثار و احسان، پیروانش را سالها در همان دخمه های هولناک به شعله های آتش می سپردند و پاسداران جهل و جور شکنجه آنها را نظاره می کردند.

خداوند عزیز حکیم در ابتدای بعثت پیامبر اسلام (ص)^۱ این صحنه را برای رسول گرامی خود و پیروان پاکبخته اش تصویر می نماید تا با آگاهی و شناخت از سرنوشت تاریخی مؤمنین، در راه سنگلاخ سعادت گام بردارند و فتنه های آینده را استقبال نموده بدانند:

جنایت ستمگران از دید خدا و خلق پوشیده نیست و دیده بانهای بروج آسمان و شاهدان زمین نظاره گر و شهادت دهنده آن در «یوم الموعود» هستند،

✽ اگر آنها مؤمنین را به آتش می کشند، خود گرفتار عذاب جهنم و عذاب «الحریق»

۱. بر حسب محاسبات و جداول کتاب «سیر تحول قرآن» تمامی این سوره (به استثنای سه آیه توضیحی ۸ تا ۱۱ که بعداً در سال ۶ بعثت اضافه گردیده) در اولین سال بعثت نازل شده است.

خواهند گشت،

* اگر آنها صاحب خشم و خروش اند، «بطش» پروردگار بس شدید است (ان بطش ربك لشديد)

* اگر عرش حکومتی آنها بلند است، «عرش پروردگار» بلندتر و مجید است (ذوالعرش المجید)

* اگر فکر می کنند اراده آنها حاکم است، تنها خدا است که «آنچه بخواهد می کند» (فعال لما یرید)

* اگر دست خود را مسلط بر جان و مال مردم می دانند، غافلند که خداوند از بالا بر آنها احاطه دارد (والله من ورائهم محیط)

* اگر می پندارند کيفر و مکافاتی در کار نیست، همانکس که آفریده، بار دیگر بازشان خواهند گرداند (انه هو یبدي و یعید)

تاریخ گذشته، سراسر تابلوی شکست جباران است و «حدیث» اضمحلال ارتش های سرکوبگر، نقل همیشگی آرمان طلبان آزادیخواه. دلیل آن نابودی «جنود فرعون و ثمود» که بزرگترین سلطه تاریخی را بر توده های محروم و مستضعف داشتند و تازیانه ستم آنها لحظه ای از گرده بردگان برداشته نمی شد.^۱ اما دریغ که سرپوش گذاران بر حقایق واقعیت های تاریخ را تکذیب می نمایند...

هل اتیک حدیث الجنود فرعون و ثمود بل الذین کفروا فی تکذیب.

ادعای نامه و کيفر خواست علیه مؤمنین

در آیات این سوره اثری از اقدام مؤمنین علیه امنیت کشور و ضدیت با مقام مستکبرین یا مخالفت آنها با نظام سیاسی و قصد براندازی حاکمان به چشم نمیخورد، تنها گناهی که از چشم ظالمان، و به عنوان انگیزه انتقام از مؤمنین و شکنجه و محکومیت و اعدام آنها شمرده شده، ایمان به خداوند «عزیز و حمید» است:

۱. از بررسی آیات قرآن درباره اقوام سلف چنین برمی آید که گویا تشکیل نیروی نظامی به شکلی سازمان یافته و منظم توسط «جباران» ستمگر بخاطر سرکوب مخالفین و استقرار پایه های حکومت از زمان ثمود شروع شده باشد. اگر در زمان حضرت نوح و حضرت هود ملاء و مستکبرین در برابر پیام توحیدی موضعگیری می کردند، در زمان حضرت صالح (پیامبر قوم ثمود) موضعگیریها تحت اطاعت «جبار عنید» شکل رسمی می گیرد

در مورد سلطه قاهرانه فرعون بر بنی اسرائیل و اختلاف عظیم قدرت او با ضعف و ذلت بنی اسرائیل گمان نمی کنم نمونه بهتر بتوان نشان داد.

برحسب آنچه از قرآن فهمیده می‌شود، معاصرین هیچ پیامبری منکر وجود خدا نبودند، بلکه مسئله توحید و چگونگی خداپرستی و مقصود از عبادت و اطاعت مطرح بوده است. مسلماً ایمان به «الله» به عنوان خالق جهان هستی و رازق انسان، مشکلی نمی‌آفریده و تحریکی علیه سردمداران محسوب نمی‌شده است. چرا که خود آنها نیز چنین اعتقادی داشتند. اما در ایمان به خداوند با صفت «عزیز و حمید» پیامی نهفته است که مستکبران را تا آنجا برآشفته می‌کرده که به چنین کشتار فجیعی دست می‌زدند.

* آنها بر «عزت» او هائی و قدرت پوشالی جباران پشت کرده و با «عزیز» شناختن خدا و انحصار عزت و قدرت برای او، بر افسانه شکست‌ناپذیری ظالمان مهر باطل زده بودند.^۱

* آنها بجای «حمد» و ثنای سردمداران و تملق قدرتمندان که شیوه ترسویمان زیون و ذلیل است، خدا را «حمید» (مبالغه و مطلق حمد) می‌شناختند و تنها او را عبادت و اطاعت می‌کردند،

* آنها به «پادشاهی» جباران پشت کرده، «ملک» آسمانها و زمین را منحصرأ از آن خدا می‌دانستند

* آنها «شهود» و حضور قدرتمندان (و هم علی ما يفعلون بالمؤمنین شهود) را نادیده گرفته خدا را شاهد مطلق در تمامی صحنه‌ها می‌دانستند (والله علی کل شیء شهید).

و ما نقموا منهم الا ان يؤمنوا بالله

۱ - العزیز

۲ - الحمید

۳ - الذی له ملک السموات والارض

۴ - والله علی کلی شیء شهید

فرهنگ کلمات

در این سوره علیرغم اختصار و کوتاهی آن، کلمات ویژه‌ای بکار رفته است که توجه و تدبیر در آنها، امکان تنفس عمیق‌تری را در فضای سوره فراهم می‌سازد. این کلمات را در چهار گروه می‌توان دسته‌بندی کرد که با یکدیگر در تضاد و تقابل یا ترکیب و تفاهم

۱. نام نیکوی عزیز جمعا ۹۹ بار در قرآن تکرار شده که عمدتاً با اسماء دیگری همچون: حکیم، رحیم، علیم (عزیز الحکیم، عزیز الرحیم - عزیز العلیم) ترکیب شده است. اما ترکیب با نام «حمید» منحصر به همین سوره و آیه ۶ سوره سبأ می‌باشد (و یری الذین اوتوا العلم الذی انزل الیک من ربک الحق و یهدی الی صراط العزیز الحمید

هستند.

۱ - کلماتیکه فضای ظلمانی اندیشه و عملکرد ستمگران ناسپاس و منکر حقیقت (الذین کفروا فی تکذیب) را تصویر می نماید:
بطش (خشونت)^۱، فتنه (شکنجه)^۲، انتقام^۳، قتل^۴، جنود (نیروی نظامی سرکوبگر)^۵،
النار ذات الوقود (آتش شعله ور) اخدود (سیاهچال، حفره، زندان...)
۲ کلمه «ایمان» و عمل صالح که به تنهایی در تقابل با تاریکی های کفر و تکذیب قرار گرفته است.

در این سوره کوتاه پنج بار روی همین ارزش تأکید شده است:

و هم علی ما يفعلون بالمؤمنین شهود

و ما نقموا منهم الا ان یؤمنوا بالله العزیز الحمید

ان الذین فتنوا المؤمنین و المؤمنات ثم لم یتوبوا...

ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات لهم جنات...

۳- کلماتیکه مقصد و مقصود ایمان و افق اندیشه مؤمنین را نشان می دهد، این کلمات همان اسماء و صفات نیکوی الهی است که به نسبت بسیار بالائی (باتوجه به حجم سوره) بکار رفته است؛ ۷ نام: نیکو الله، عزیز، حمید، غفور، ودود، محیط، شهید) در ۷ وصف ترکیبی^۶:

۱-۳- الله العزیز الحمید، (شکست ناپذیری و ستودگی)

۲-۳- الذی له ملک السموات و الارض (مالکیت مطلق = پادشاهی)

۳-۳- والله علی کل شی شهید (شهادت مطلق = علم و اطلاع کامل)

۴-۳- هو الغفور الودود (بخشنده گی و دوستی = لطف و رحمت)

۵-۳- ذوا العرش المجید (مدیریت جامع و فراگیر)

۶-۳- فعال لما یرید (فاعلیت مطلق)

۱- ان بطش ربک لشدید

۲- ان الذین فتنوا المومنین و المؤمنات ثم لم یتوبوا...

۳- و ما نقموا منهم الا ان...

۴- قتل اصحاب

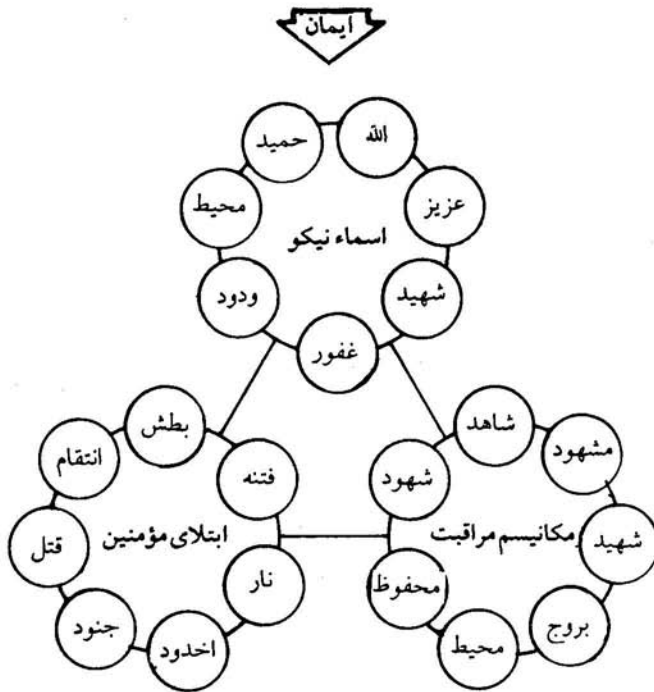
۵- هل اتیک حدیث الجنود فرعون و ثمود

۶- اوصاف: الذی له ملک السموات و الارض - ذوالعرش المجید - فعال لما یرید، در محاسبه اسماء منظور نشده اند، در عوض نام جلاله «الله» ۳ بار تکرار شده است. اگر این ۷ نام را که نشانی از «کمال» است، با ۳ نام «بسم الله الرحمن الرحیم» اول سوره جمع کنیم به عدد «تمام» ۱۰ می رسیم.

۷-۳- والله من ورائهم محیط (احاطه همه جانبه بر همه چیز)

۴- کلماتیکه دلالت بر «شهود» و حضور و نوعی نظارت و نگرهبانی نسبت به مخلوقات می نماید. بیش از همه مشتقات کلمه «شَهِدَ» را می یابیم که با چهار بار تکرار (شاهد، مشهود، شهود، شهید)^۱، بالاترین معدل را بطور نسبی در قرآن دارد، پس از آن کلمات: بروج (برجهای دیده بانی و مراقبت)، محفوظ (محافظة شده)، محیط (مسلط و فراگیر)، قعود (به تماشا نشستن) به چشم می خورد که تماماً دلالت بر مکانیسم کنترل و مراقبت بر عملکرد مخلوقات و پیچیدگی سیستم و نظام حکیمانه حاکم بر هستی می نماید.

شکل زیر شبکه ارتباطی کلمات کلیدی این سوره را که از توضیحات فوق استنباط می شود نشان می دهد.



شبکه تصویری وارثگان سوره «بروج»
نمایش ایمان در بستر ابتلاء و فتنه

۱. و شاهد و شهود - و هم علی ما یفعلون بالمؤمنین شهود - والله علی کل شیء شهید

آهنگ انتهائی آیات

از ۲۲ آیه کوتاه سوره بروج، ۱۶ آیه آن با حرف «دال» (موعود، مشهود، اخدود، وقود، قعود، شهود، حمید، شهید، شدید، یعید، ودود، مجید، یرید، جنود، ثمود، مجید) و ۶ آیه دیگر با حروف: ج، ق، ب، ط، ظ (بروج، حریق، کبیر، تکذیب، محیط، محفوظ) ختم شده‌اند. کلماتیکه آهنگ استثنائی دارند، دقیقاً همانهائی هستند که در ارتباط با مفاهیم سوره جنبه کلیدی و راهنما دارند. چه بسا همین تغییر قافیه و آهنگ به دلیل جلب توجه به نقش آنها در ساختمان سوره بوده باشد (والله اعلم).

ارتباط با سوره قبل

سوره «انشقاق» با آیه: «یا ایها الانسان انک کادح الی ربک کدحاً فملاقیه»، از رنج و سختی و مشقتی که انسان در مسیر «لقاء رب» باید از آن عبور کند یاد می‌کند و سوره «بروج» به عنوان شاهدی تاریخی و مصداقی عینی، شکنجه و شهادت «اصحاب الاخدود» را نقل می‌نماید. مثالی از «کدح» و ابتدائی در متن فتنه و درد و رنج برای رشد و کمال مؤمن. شباهت‌های دیگری نیز این دو سوره دارند که ارتباط تنگاتنگ آنها را بهتر نشان می‌دهد. از جمله:

۱- جبهه مقابل مؤمنین در هر دو سوره «کافران تکذیب کننده» هستند، در اولی بر استمرار و در دومی بر فرورفتگی آنها در این حالت تأکید می‌نماید:

انشقاق (۲۲) بل الذین کفروا یکذبون

بروج (۱۹) بل الذین کفروا فی تکذیب

۲- موضوع کفر و تکذیب در هر دو سوره حقایق و هشدارهای «قرآن» می‌باشد: در اولی انکار آخرت و در دومی انکار شکست اهل باطل و احاطه خدا بر آنها را بیان می‌کند:

انشقاق (۲۱) و اذا قرئ علیهم القرآن لایسجدون

بروج (۲۱) بل هو قرآن مجید

۳- در هر دو سوره وعده نیکو به «مؤمنین صالح» می‌دهد:

انشقاق (۲۵) الا الذین آمنوا و عملوا الصالحات لهم اجر غیر ممنون. (آخرین آیه)

بروج (۱۱) ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات لهم جنات تجری من تحتها الانهار...